

مفهوم‌سازی مناطق مرزی و تبیین مولفه‌های شکل‌دهنده آنها

دکتر محسن جان‌پرور* - استادیار جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
دریا مازندرانی - دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
الهام قباسفیدی بایگی - دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.
فرید عباسی - دانشجوی کارشناسی‌ارشد جغرافیا سیاسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۰۵

DOR:20.1001.1.17354331.1400.17.63.5.0

چکیده

تحولات و پیشرفت‌های صورت گرفته در طی دهه‌های اخیر روند وابستگی و پیوند روزافزون کشورها را به یکدیگر فراهم آورده است و در این بین مناطق مرزی را به کانون توجه مطالعات تبدیل کرده است. مطالعات مرزی در دوره حاضر بیشتر روی توسعه مناطق مرزی، سطح کنش‌ها، نفوذپذیری مرزها، ساکنین مرزی و غیره همه به نوعی بر برجسته‌تر شدن مطالعه مناطق مرزی تأکید کرده‌اند. بررسی مطالعات صورت گرفته در این زمینه نشانگر وجود نوعی ابهام و عدم مفهوم‌سازی درست از منطقه مرزی است. از سوی دیگر، در زمینه وسعت و پهنه‌سازی منطقه‌ای که به عنوان منطقه مرزی در نظر گرفته شود، کاری صورت نگرفته است. تحقیق حاضر با هدف مفهوم‌سازی و تبیین مولفه‌های شکل‌دهنده منطقه مرزی با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و پرسش‌نامه‌ای به انجام رسیده است. نتایج حاصل از تحقیق حاضر نشان‌دهنده آن است که مفهوم منطقه مرزی فضای جغرافیایی بلافصل خطوط مرزی با وسعت‌های متفاوت که تحت تأثیر مستقیم مرزها قرار می‌گیرند، می‌باشد. برای تفسیر از تحلیل محتوا و تحلیل سلسله‌مراتبی (ANP)، استفاده شده است. نتایج اولویت‌بندی نیز نشان می‌دهد که دارا بودن پیوند طبیعی با فراسوی مرز، سرمایه‌گذاری پایین در منطقه (به دلایل امنیتی و غیره)، دارا بودن پیوند قومیتی با فراسوی مرز، تأثیرپذیری از سیاست ارتباطی نسبت به کشور هم مرز، دارای پیوندهای تاریخی با فراسوی مرز، آمیختگی زندگی بازیگران با مرز، منطقه‌ای با وسعت توافق‌شده و در آخر قرارگیری در خط مقدم حمله و جنگ، موثر مولفه‌های شکل‌دهی منطقه مرزی انتخاب شدند.

واژه‌های کلیدی: مرز، منطقه مرزی، مولفه‌های مرزی، فضای جغرافیایی، تحلیل سلسله‌مراتبی (ANP).

۱. مقدمه

تحول و پویایی در مفاهیم مختلف علمی یکی از ارکان اصلی پیشرفت و توسعه علوم می‌باشد. این تحول و پویایی در علوم از ذات ناکامل انسان‌ها نشأت گرفته است. زیرا انسان موجودی ناکامل و در جستجوی رسیدن به کمال است. در این راستا، برای رسیدن به این کمال نیازمند تحول و پویایی در عرصه‌های مختلف زندگی به ویژه عرصه‌های علمی است تا از این طریق بتواند به نیازهای خود پاسخ دهد و به اهداف خود دست یابد. در این میان، حوزه مطالعات مرزی که از جمله حوزه‌های اصلی مورد مطالعه در رشته جغرافیای سیاسی و رشته‌های مرتبط دیگر نظیر علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و غیره است، از این قاعده مستثنی نیست و حرکت و پویایی سبب ورود مفاهیم جدید یا برجسته شدن یا کمرنگ شدن مفاهیم، باز تعریف و غیره در این حوزه مطالعاتی با توجه به تحولات و تغییرات شده است. شناخت و درک این تغییر و تحولات در عرصه مطالعات مرزی و هر عرصه دیگر جزء ضروریات علمی است، هر چند که در این زمینه کم‌کاری‌ها و نواقص متعددی وجود دارد. از جمله مفاهیمی که در عرصه مطالعات مرزی با وجود اهمیت و استفاده گسترده تعریف دقیق و قابل درکی از آن وجود ندارد، مفهوم منطقه مرزی است. چرا که بررسی‌های صورت گرفته نشان دهنده آن است که، در بیشتر تعاریف و دیدگاه‌های بیان شده در مورد منطقه مرزی آن را با خط مرزی به صورت متداخل بیان کرده و یا اینکه آن را با مفهوم حریم مرزی یکی دانسته‌اند. در حالی که منطقه مرزی با خط مرزی و حریم مرزی تفاوت‌های زیادی دارند. از سوی دیگر، افراد در کارهای خود سعی کرده‌اند بدون تعریف منطقه مرزی تنها تمرکز خود را روی بیان کلی ویژگی‌ها و مشخصات این مناطق قرار دهند. یکی از معدود تعاریف موجود به صورت مختصر منطقه مرزی عبارت است از اینکه مناطق مرزی نواحی جغرافیایی مجاور مرز که شهرها، روستاها و اجتماعات انسانی را در بر می‌گیرد تعریف کرده است (Gregory et al, 2009: 53). در کنار این ابهام و عدم وجود تعریف مناسب از منطقه مرزی، بحث دیگر و گستره منطقه مرزی است که نامشخص است و در هیچ یک از منابع نه تنها به آن اشاره نشده است، بلکه مولفه‌هایی

که می‌تواند منطقه مرزی را از مناطق غیرمرزی تفکیک کند، نیز تا حدی کلی و نامشخص است. این ابهام و عدم مشخص بودن منطقه مرزی به صورت قابل فهم سبب افزایش بی‌توجهی به این مناطق شده است و از سوی دیگر زمینه ایجاد نگرش منفی و تأکید بر مولفه‌های منفی (دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت و جابه‌جایی مداوم جمعیت، تبادل‌های غیرقانونی مرزی، تفاوت‌های فرهنگی، قومی و مذهبی با مناطق داخلی کشور، ضدیت سیستمی و تهدیدات خارجی) برای این مناطق بدون در نظر گرفته شدن واقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های این منطقه در مطالعات پژوهشگران شده است، که این خود زمینه شکل‌گیری و توسعه تفاوت و ناهمگنی بین مناطق مرزی و مناطق مرکزی در زمینه‌های مختلف به ویژه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورده و بازتاب دهنده نوعی ناهمخوانی و مشکلات متعدد در فضای کشور است. بر این مبنای تحقیق حاضر با توجه به مرزهای طولانی کشور و مناطق مرزی گسترده از یک سو و مشکلات و مسائل متعدد در طول مرزهای کشور پرداختن و مشخص کردن مفهوم و گستره منطقه مرزی را به یک ضرورت تبدیل کرده است که تلاش می‌شود تا حد امکان این مسئله مهم مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد و مفهوم‌سازی قابل درک‌تر و مولفه‌های قابل قبول‌تر برای منطقه مرزی در نظر گرفته شود.

۲. پیشینه تحقیق

در انجام هر کار پژوهشی و تحقیق علمی، مطالعه و بررسی پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با موضوع مورد بررسی و با هدف بهره‌مندی از نتایج توسعه و تکامل آن‌ها ضروری است و محقق را جهت دستیابی به نتیجه بهتر تا حد قابل توجهی کمک می‌کند. بررسی منابع مرتبط و نزدیک به موضوع که به شناخت و تحلیل مولفه‌های تشکیل‌دهنده منطقه مرزی نشان‌دهنده آن است که با وجود اینکه این مفهوم در کارهای متعددی به ویژه در مقالات مورد استفاده قرار گرفته است، اما تعریفی از آن ارائه نشده است و به مولفه‌های شکل‌دهنده آن نیز توجه نشده است. برخی از این منابع که تا حدی بیشتر بحث را مطرح کرده‌اند، در جدول (۱) آورده شده است.

جدول (۱): پیشینه مفهوم منطقه مرزی و مولفه‌های موثر بر آن

محقق / سال	عنوان	یافته‌ها
صابرو همکاران ۱۳۹۷	مقاله: تحلیل مولفه‌های تاثیرگذار آمایش منطقه مرزی بر مناسبات ایران و عراق	مناطق مرزی به عنوان مناطقی با شاخص جغرافیایی در مباحث ملی و بین‌المللی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، زیرا این مناطق همواره دستخوش رخدادهای سیاسی و نظامی بوده‌اند. مناطق مرزی در ایران به دلیل برخورداری از حساسیت‌های ژئوپلیتیکی نیز همواره در معرض این رخدادهای قرار گرفته‌اند و اهمیت این مناطق، بر ضرورت آمایش صحه می‌گذارد.
مختاری و همکاران ۱۳۹۳	مقاله: تدوین راهبردهای آمایش مناطق مرزی؛ مطالعه موردی مرزهای شرقی کشور	با توجه به شرایط فعلی، راهبردهای مناسب حرکت در مسیر آمایش مناطق مرزی شرق کشور از نوع تدافعی است و هم‌اکنون بر اساس اولویت بندی انجام شده راهبردهای تدوین برنامه جامع، توسعه همه جانبه استان‌های شرقی کشور (به خصوص مناطق مرزی)، توسعه و تقویت انواع زیرساخت‌های کالبدی، شامل: حمل و نقل، راه آهن، جاده و ... به منظور افزایش پیوندهای کانون‌های پرجمعیت مناطق شرقی با یکدیگر و کانون‌های داخل کشور از اولویت بالاتری برخوردارند.
زارع و سرداری ۱۳۹۴	مقاله: کاربرد مدل‌های SWOT و SWOT- AHP در آمایش منطقه‌های مرزی با تأکید بر راهبردها و اولویت‌های برنامه‌ریزی منطقه‌های مورد مطالعه: مریوان و بانه.	در مدل SWOT، راهبرد تدافعی به عنوان استراتژی اصلی انتخاب شده و در مدل SWOT- AHP، راهبردهای تهاجمی، رقابتی (SO) با امتیاز ۰٫۸۶۱ به عنوان استراتژی اصلی و راهبردهای بازنگری (WO) با امتیاز ۰٫۶۸۰ به عنوان استراتژی آلترناتیو برگزیده شده است.
ذکائی و نوری ۱۳۹۴	مقاله: زندگی در مناطق مرزی: مطالعه پدیدارشناختی مرزنشینان شهر نوسود	تجربه زندگی مرزنشینی برای شرکت‌کنندگان در این پژوهش، از تفاوت‌های فرهنگی و زبانی که چالش‌ها، مشکلات و نگرانی‌ها را تشدید می‌کند، الهام می‌گیرد. واردشدن این عناصر در گستره معانی پاسخگویان موجب می‌شوند تا مشکلات و نگرانی‌ها این امکان را پیدا کنند که در موقعیت دیگر مطرح شوند. پاسخگویان در تلاش برای فهم مشکلات و سختی‌های زندگیشان معنای جدیدی به آنها می‌دهند و از این طریق رولبطی را بین خود و دیگران شکل می‌دهند که در نهایت مرزهای هویت قومی آن‌ها را بازنمایی می‌کند.
Székely (2013)	مقاله: ساختارهای مناطق مرزی	هدف از این تجزیه و تحلیل این است که از لحاظ نظری، چگونه یک منطقه مرزی تبدیل به یک منطقه مرزی یکپارچه می‌شود و به خوبی کار می‌کند. تعاریف و طبقه‌بندی‌ها منجر به مفاهیم فضایی مرزی می‌شود که عموماً در سال‌های ۱۹۹۰ ساخته شده است.

بررسی و تحلیل پیشینه و سوابق نظری پژوهش نشان می‌دهد که منابع مرتبط علمی بسیاری کمی در خصوص تعریف و تبیین مفهوم منطقه مرزی و شناخت و تحلیل مولفه‌های شکل‌دهنده مناطق مرزی در سطح کشور انجام گرفته است؛ اگر چه این مفهوم زیاد مورد استفاده قرار گرفته است اما در کمتر کاری به خود مفهوم و مولفه‌های شکل‌دهنده منطقه مرزی توجه کرده و در مورد آن بحث کرده‌اند. همچنین ابهام و چندگانگی در استفاده از مفهوم مناطق مرزی به وضوح

در مقالات داخلی و خارجی دیده می‌شود. بر این مبنا، تحقیق حاضر تلاش دارد تعریف قابل قبول از منطقه مرزی ارائه داده و از سوی دیگر مولفه‌های شکل‌دهنده‌ی منطقه مرزی را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۳. روش تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع و اهداف تحقیق، نوع تحقیق حاضر کاربردی است و روش بررسی آن توصیفی-تحلیلی است. در تحقیق حاضر تلاش شده است ضمن بازشناسی مفهوم منطقه مرزی، مولفه‌های شکل‌دهنده آن جهت مطالعات بعدی مورد شناخت و تحلیل قرار گیرد. بدین منظور با مراجعه به داده‌ها کتابخانه‌ای (کتاب‌ها، مقالات و مجلات مرتبط با موضوع)، مفهوم‌سازی منطقه مرزی مورد بررسی قرار گرفته است و در گام دوم مولفه‌های موثر بر شکل‌دهی به مفهوم منطقه مرزی احصاء شده‌اند که در ۸ بعد (دفاعی-امنیتی، حقوقی-ساختاری، بازیگران، تاریخی، سیاسی-حاکمیتی، فرهنگی-اجتماعی، اقتصادی، سرزمینی) دسته‌بندی شده‌اند، و به منظور اولویت‌بندی مولفه‌ها و زیر مولفه‌های مورد استفاده از مدل تحلیل سلسله‌مراتبی ANP استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل ۱۵ نفر متخصص در حوزه جغرافیای سیاسی بوده‌اند (باتوجه به نوع سوالات و محتوای تحقیق که نیاز به برخورداری از سطح خاصی از دانش جغرافیای سیاسی داشت، تعداد جامعه آماری انتخاب شده محدود بوده است)، پرسشنامه تحقیق حاضر بر اساس مدل توماس الساعتی^۱ به صورت مقایسه زوجی (دو به دو) بوده و با هدف اولویت‌بندی و وزن‌دهی به مولفه‌ها و زیر مولفه‌ها طراحی شده و برای این منظور ابتدا ماتریس مربعی مقایسه زوجی در ۸ فاکتور اصلی تهیه و سپس برای هر فاکتور زیر مولفه‌هایی در نظر گرفته شده است. به این ترتیب که مولفه‌ها یک بار در سطر و یک بار در ستون نوشته شدند تا باهم مقایسه دو به دوایی شوند.

۴. مفهوم‌شناسی منطقه مرزی

گام اول در هر مطالعه‌ای نیازمند درک و مفهوم‌سازی است. به هر میزان مفهوم مورد بحث به

صورت شفاف‌تر و قابل درک‌تر ارائه شده باشد گام‌های بعدی جهت مطالعه، برنامه‌ریزی، ایجاد تفاهم و غیره برای آن بهتر صورت می‌گیرد. در زمینه منطقه مرزی همان‌طور که در قبل بیان شد تعاریف کمی وجود دارد و تعاریف اندک موجود نیز بیشتر حالت مبهم و کلی دارند و بیشتر در قالب توصیف و توضیح هستند. برخی از این موارد به صورت ذیل است:

- منطقه مرزی نزدیک‌ترین نواحی جغرافیایی به مرزهای حکومت است که در این نواحی توسعه فضایی بسته به این که مرزها بسته یا سفت و سخت، یا باز و نفوذپذیر باشند تحت تأثیر وجود مرز قرار می‌گیرد (Newman, 2003: 18).

- منطقه مرزی منطقه مشترک بین دو کشور همسایه است. منطقه مرزی نیز دربرگیرنده چند شهر مرزی می‌باشد. در بیشتر کشورها، نواحی مرزی دورترین مناطق پیرامونی از مرکز می‌باشند؛ به همین دلیل اغلب این نواحی از عقب مانده‌ترین و محروم‌ترین نواحی کشورها هستند (Zaki and Pashalo, 2014: 1).

- مناطق مرزی از نقاط حساس و استراتژیک کشور به شمار می‌روند. مناطق مرزی عموماً دارای ویژگی‌های مشترکی هستند که ذاتی این مناطق محسوب می‌شود. این ویژگی‌های ذاتی عبارتند از: دوری از مرکز، حاشیه‌ای بودن، جمعیت ناپایدار و ناپایداری سکونت، محل مبادلات اقتصادی، تنوع قومی، اجتماعی و فرهنگی در معرض تهدیدات خارجی بودند (Nayehdor, 2014: 3).

نگاه و بررسی این تعاریف و توصیف‌ها از مناطق مرزی نشانگر آن است که توافق قابل ملاحظه در زمینه منطقه مرزی وجود ندارد و نمی‌توان بر پایه آنها تصویر و درک قابل قبولی از منطقه مرزی داشت. اما شاید بتوان به صورت کلی منطقه مرزی را این گونه تعریف کرد و در نظر گرفت، منطقه مرزی عبارت است از، فضای جغرافیایی بلافصل خطوط مرزی با وسعت‌های متفاوت که تحت تأثیر مستقیم مرزها قرار می‌گیرند. باید توجه داشت، عرض منطقه مرزی متناسب با وضعیت و عملکرد مرزها و تحت تأثیر قرار دادن محیط پیرامون کم یا زیاد می‌شود. البته به صورت کلی باید گفت، با افزایش میزان اثربخشی مرزها از طریق تحولات صورت گرفته در عرصه‌های مختلف فناوری‌ها و گسترش زمینه تحرکات کالاها و انسان‌ها، عرض منطقه مرزی

در حال افزایش است زیرا این تغییرات تأثیرپذیری مستقیم و بلافصل فضاهای جغرافیایی از مرزها را گسترش می‌دهد (Janparvar, 2017:75). به صورت کلی می‌توان مناطق مرزی را در قالب دو بخش ذیل تقسیم‌بندی کرد:

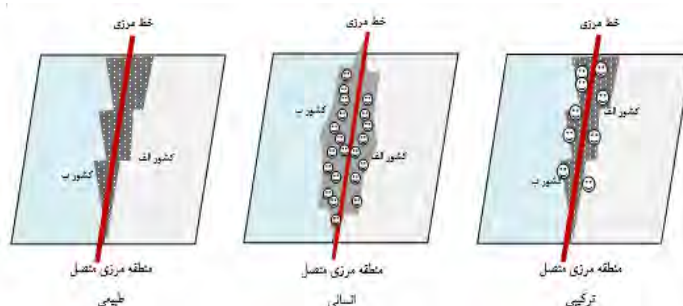
الف) مناطق مرزی متصل: در این نوع از مناطق مرزی چشم‌انداز جغرافیایی منطقه مرزی در دو سوی مرز از یکپارچگی و همسانی با یکدیگر برخوردار بوده و یک منطقه واحد را تشکیل داده که توسط خطوط مرزی به دو بخش مجزا از یکدیگر تقسیم شده‌اند. باید توجه داشت که کنترل و مدیریت مرزها در این نوع از مناطق مرزی سخت و چالش‌زا است. مناطق مرزی متصل دارای اشکال ذیل می‌باشند:

- مناطق مرزی متصل طبیعی: در این نوع مناطق مرزی متصل چشم‌انداز جغرافیایی که خط مرزی را در بر می‌گیرد از نظر طبیعی در دو سوی مرز نه تنها یکسان بلکه تکمیل‌کننده و نیمه یکدیگر می‌باشند. به عنوان مثال می‌توان به یک دشت یا جنگل اشاره کرد که از نظر طبیعی یک اکوسیستم خاص و به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و خط مرزی از میان آن عبور کرده است.

- مناطق مرزی متصل انسانی: در این نوع مناطق مرزی متصل چشم‌انداز جغرافیایی که خط مرزی را در بر می‌گیرد از نظر طبیعی با یکدیگر متفاوت هستند اما از نظر انسانی دو سوی مرز با یکدیگر پیوندهای گسترده‌ای دارند و تشکیل یک چشم‌انداز جغرافیایی انسانی واحد را می‌دهند. مثلاً می‌توان به قرارگیری یک گروه قومی با زبان و مذهب، آداب و رسوم مشترک در منطقه مرزی که یک چشم‌انداز جغرافیایی خاصی را به وجود آورده‌اند و به وسیله خط مرزی به دو بخش جداگانه از یکدیگر تقسیم شده‌اند، اشاره کرد. فضای قرارگیری این گروه قومی در دو سوی مرز منطقه مرزی متصل انسانی را تشکیل می‌دهد.

مناطق مرزی متصل ترکیبی: در این نوع مناطق مرزی متصل چشم‌انداز جغرافیایی که خط مرزی را در بر می‌گیرد هم از نظر طبیعی و هم از نظر انسانی با یکدیگر در دو سوی مرز دارای پیوندهای گسترده و تکمیل‌کننده می‌باشند و به سادگی نمی‌توان بین دو طرف مرز تفکیک قائل شد (شکل ۱).

شکل (۱): مناطق مرزی متصل طبیعی، انسانی و طبیعی بین دو کشور



(Source: Janparvar, 2017:75)

ب) **مناطق مرزی منفصل:** در این نوع از مناطق مرزی چشم‌انداز جغرافیایی منطقه مرزی در دو سوی مرز از یکدیگر متفاوت می‌باشد و هر طرف مرز چشم‌انداز جغرافیایی طبیعی، انسانی خاص خود را دارا هستند. به بیان دیگر می‌توان گفت که خط مرزی در این نوع مناطق مرزی به گونه‌ای تعیین حدود شده که دو چشم‌انداز جغرافیایی متفاوت یا با حداقل تشابه و وابستگی را از یکدیگر جدا کرده است. با توجه به این عدم پیوند و تشابه کنترل و مدیریت مرزها در این نوع مناطق مرزی سهل‌تر و با چالش کمتری نیز مواجه است (شکل ۲) (Janparvar, 2017:74-75).

شکل ۲: مناطق مرزی منفصل



(Source: Janparvar, 2017:76)

در مجموع باید گفت، مفهوم منطقه مرزی اگر چه مفهومی پیچیده به نظر می‌رسد اما در واقعیت و بعد فضایی مفهوم و ماهیتی ساده دارد. چرا که منطقه مرزی، فضاهای دو سوی مرز که تحت تأثیر مستقیم مرزها قرار می‌گیرند را شکل می‌دهد و به سادگی می‌توان آن را مشاهده و درک کرد.

البته باید توجه داشت، هر اندازه منطقه مرزی بین دو کشور همسایه دارای موقعیت

ژئواستراتژیک برجسته‌تر و با اهمیت‌تری باشد ادعاها و درگیری‌های دو طرف نسبت به آن بیشتر می‌شود و کشورها برای ارتقای وزن ژئوپلیتیک خود و دستیابی به موقعیت ژئواستراتژیک بهتر نسبت به کشور همسایه ادعاهایی ارائه می‌دهند و سعی در کنترل آن منطقه مرزی می‌کنند (Afshordi and Others, 2014:11). همچنین باید توجه داشت که مرزهای بین‌المللی محل تلاقی کشورها با یکدیگرند و روابط آنها از طریق مرزها صورت می‌گیرد (Mokhtari Hashi and Nasereslami, 2016:99).

۵. مولفه‌های شکل دهنده مناطق مرزی

۱-۵. استخراج مولفه‌ها از نظریه‌ها و دیدگاه‌ها مرتبط با مناطق مرزی

بعد از مفهوم‌سازی منطقه مرزی گام دوم درک مولفه‌های شکل دهنده منطقه مرزی است. برای اینکه بتوان به این مولفه‌ها دست یافت تلاش شده است نظرات و دیدگاه‌های مرتبط با مرزها و مناطق مرزی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و مولفه‌ها از آنها استخراج شود:

- نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر

بر اساس نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر در یک ناحیه، تعدادی از مکان‌های مرکزی با خصوصیات سلسله مراتبی مختلف وجود دارند و در نظام فضایی خاصی پراکنده شده‌اند. این مکان‌ها دارای مجموعه‌هایی از نقشه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشند که جهت استفاده مردم ناحیه پسرکرانه ارائه می‌کنند (Behfrouz, 1995:316). بنابراین، در این، سلسله مراتب نوعی مرزبندی به صورت متداخل در محل تقاطع حوزه‌های نفوذ مکان‌های مرکزی با یکدیگر وجود دارد؛ عامل تعیین‌کننده جدایی و مرزبندی، حوزه‌های نفوذ مکان‌های مرکزی دریافت خدمات و سرمایه‌گذاری‌های مربوط به آن است؛ مرزهای زمینی باعث ایجاد گسل و شکاف در نظام فضایی سلسله مراتبی مناطق پیوسته می‌شود و نقاط مرزی از نوعی خصلت انتخاب برخوردار می‌شوند (اینکه به کدام مرکز نزدیک‌ترند و یا امکانات بیشتر دریافت می‌کنند) (Saber et al, 2018:49).

- نظریه قطب رشد فرانسوا پرو

بر اساس نظریه پرو، رشد به طور همزمان در همه جا ظاهر نمی‌شود؛ بلکه، در قطب‌ها یا

مراکز خاصی ظاهر می‌شوند (Mobayeni-Dehkordi and Hashemi-Esfahani, 2006:42). اصطلاح قطبی‌گری بیانگر نفوذی اقتصادی است که یک قطب بر سرزمین‌هایی که آن را احاطه کرده اند اعمال می‌کند (Lacoste, 2012:425). بنابراین، هر قطب، سلسله‌مراتبی از مرزبندی را از طریق حوزه نفوذ و حیطة جغرافیایی خود به صورت امواج پی درپی مشخص می‌سازد و با توجه به میزان قوت قطب رشد، حیطة این مرزبندی‌ها نیز گسترش می‌یابد. به این ترتیب، مرز در مفهوم نظریه قطب رشد، دورترین نقاطی است که شعاع تأثیرات توسعه قطب رشد به آنجا می‌رسد و کمترین بهره‌مندی از تشعشعات توسعه‌ای قطب رشد را دریافت می‌کند. به این جهت مناطق مرزی اغلب مناطقی محروم‌تر، توسعه نیافته‌تر و عقب‌مانده‌تر به شمار می‌روند (Saber et al, 2018:50).

- نظریه مرکز- پیرامون جان فریدمن

این نظریه توسط جان فریدمن در سال ۱۹۶۷ مطرح گردید. بر اساس آن، نواحی مرکزی همان مراکز عمده‌ی تحولات و نوآوری هستند و بقیه، نواحی پیرامونی را تشکیل می‌دهند که به نواحی مرکزی وابسته هستند و یک نوع کشمکش و تضاد منافع خاصی بین آن‌ها برقرار است که سرعت توسعه‌یافتگی در مرزهای پیرامونی بسیار پایین‌تر از مرکز می‌باشد. گرچه این نظریه-ها به صورت مستقیم به موضوع مناطق مرزی نپرداختند، اما دیدگاه‌هایی نظری در رابطه با پدیده‌ی عدم تعادل منطقه‌ای را مطرح ساختند که بر نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظری مناطق مرزی تأثیرگذار بوده است (Saeidi and Turk Lashkankari, 2013:133). بنابراین، مرزها به دلیل واقع شدن در مناطق پیرامونی و دور از مرکز مورد بی‌توجهی کامل قرار می‌گیرند؛ چرا که، امکان بهره‌برداری از منابع آن‌ها کمتر از مناطق نزدیک به مرکز است و به دلیل این بی‌توجهی، منابع موجود این مناطق به سوی مناطق مرکزی تمایل می‌یابند. در نتیجه، تضاد منافع بین مرکز و نقاط مرزی، خط مرزی ذهنی و در عین حال قابل لمس میان مرکز و پیرامون و کندی توسعه یافتگی در مناطق مرزی مشاهده می‌شود (Saber et al, 2018:51).

- نظریه کاربری اراضی یوهان هاینریخ فون تونن

فون تونن آلمانی با انتشار کتاب خود «ایالت منفرد در رابطه با کشاورزی» اولین اقدام را در زمینه کشف همبستگی الگوهای کاربری زمین با روابط فضایی یک شهر و ناحیه پیرامونش انجام داد (Haggett, 1996:277). مفهوم مرز در این نظریه، با اتکا بر اصل حاکم که اصل سود و صرفه اقتصادی است، حالت ذهنی و تجربیدی به خود می‌گیرد و از دیدگاه اقتصادی تحلیل و تعریف می‌شود (Saber et al, 2018:51).

- نظریه نیلز هانسن

در نظریه نیلز هانسن مرزها مانع تجارت بین‌المللی هستند که به واسطه اختلاف نرخ رشد اقتصادی یا تفاوت فرهنگی موجب محدود شدن و یا قطع ارتباطات با همسایگان می‌شوند و در معرض خطر تهدیدات و تهاجمات نظامی قرار دارند و مادامی که محرومیت به عنوان خصوصیت مناطق مرزی باقی است، این مناطق محروم، توسعه نیافته و پیرامونی خواهند ماند. بنابراین، آسیب دیدگی سازمان فضایی مناطق مرزی از طریق گسستگی در ساختار فضایی آن در اثر مرزهای فیزیکی ایجاد می‌شود (Hansen, 1978:254).

- نظریه جونز و وایلد^۵

به عقیده جونز و وایلد، مناطق مرزی بعنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته شناخته می‌شوند. این حاشیه‌ای بودن گرچه می‌تواند معلول شرایط جغرافیایی مناطق مرزی باشد، اما خود پدیده مرزی بودن، بسیاری از امکانات و قابلیت‌های آن منطقه را مضمحل می‌سازد (Jones and Wild, 1994:259-273).

- نظریه سافر^۶

سافر در مقاله‌اش در سال ۱۹۹۴ ارتباطات در امتداد مرز بین دو کشور مجاور با سابقه تاریخی

1. Johann Heinrich von Thunen
2. Der Isolierte Staat in Beziehung auf Landwirtschaft
3. Niles Hansen
4. Philip N. Jones
5. Trevor Wild
6. Saffer

درگیری بین آنها را مورد بررسی قرار می‌دهد. مفهوم اصلی در مدل سافر عبارت است از اینکه: «جایی که یک اقلیت در دو طرف مرز زندگی می‌کنند باید انتظار برقراری روابط نزدیک بین آنها را داشت حتی اگر مرز بین دو کشور مهر و موم شده و دشمنانه باشد» (Soffer, 1994: 188). سافر با بیان این مفهوم گفته‌های مینگی^۱ (۱۹۹۱) را اعلام کرده بود تعاملات در مرزهایی که خطر درگیری و تهدید دارند، وجود ندارد را به چالش کشید. او همچنین توضیح می‌دهد در امتداد مرزها خصمانه تعاملات عمدتاً بر مبنای روابط خانوادگی و تجارت محلی صورت می‌گیرد. علاوه بر این، او ادعا می‌کند که ممکن است بین دولت‌ها در دو طرف مرز روابط برقرار شود حتی اگر اوضاع در مرز خشونت آمیز باشد و در نهایت این امر زمینه برای برقراری صلح را فراهم می‌کند. سافر در کار خود به این نتیجه می‌رسد که، روابط بین دو کشور وابسته به قدرت اتصال منطقه مرزی و اندازه جمعیت اقلیتی که در دو طرف مرز زندگی می‌کند، می‌باشد (Soffer, 1994: 190). در زمینه مدل سافر باید گفت، با وجود اینکه سافر تنها قرارگیری یک گروه قومی واحد در دو سوی مرز را یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری و گسترش تعامل در دو سوی مرز دانسته است، اما به نظر می‌رسد در کنار این قرارگیری عامل مهمتری که تشدید تعامل بین گروه قومی واحد در دو سوی مرز را سبب شده وابستگی و تعامل گسترده‌ی اقتصادی است که در میان این گروه قومی در دو سوی مرز نه تنها تعداد و حجم بالای این ساکنین وجود دارد. بر این مبنای، اگر در دو سوی مرز گروه قومی واحد با وابستگی و تعاملات اقتصادی ساکن باشند، با وجود کنترل‌های شدید بین دو طرف مرز تعامل و ارتباط شکل گرفته و گسترش پیدا خواهد کرد و از این طریق می‌تواند بر گستره منطقه مرزی موثر باشد.

- منطقه مرزی ایالات متحده و مکزیک

منطقه مرزی ایالات متحده و مکزیک، همان‌طور که در توافق نامه لاپاز در سال ۱۹۸۳ تعریف شده است، منطقه‌ای در ۱۰۰ کیلومتری (حدود ۶۲٫۵ مایل) در هر دو طرف مرز ایالات متحده و مکزیک است. از خلیج مکزیک در شرق تا اقیانوس آرام در غرب، ۳،۱۴۱ کیلومتر (۱،۹۵۲ مایل) امتداد دارد. این منطقه از ۱۰ ایالت (چهار ایالات متحده و شش مکزیک) تشکیل شده است که

از طریق برنامه مرز ۲۰۲۰ در چهار کارگروه منطقه‌ای مرزی سازماندهی می‌شوند. این منطقه همچنین دارای ۲۶ قبیله به رسمیت شناخته شده فدرال در ایالات متحده و تعدادی از اجتماعات بومی مکزیکی است. برنامه مرز ۲۰۲۰ پانزده جفت «خواهر شهر» را در امتداد مرز، که در مجاورت ایالات متحده و ایالات مرزی مکزیکی هستند و روابط اجتماعی و اقتصادی قابل توجهی دارند را به رسمیت می‌شناسد.

شکل (۳): نقشه منطقه مرزی ایالات متحده - مکزیکی



(Source: State of the Border Region Indicators Interim Report, 2016)

گرچه این منطقه با یک مرز بین‌المللی تقسیم می‌شود، این منطقه با پیوندهای تاریخی، فرهنگی، خانوادگی و اقتصادی در ارتباط است. همچنین با منابع مشترک هوایی و آبی، زیستگاه‌ها و اقلیم‌هایی که مرزهای سیاسی را رعایت نمی‌کنند متحد شده‌اند. این ارتباطات دلیل مشترکی را برای افرادی که در منطقه مرزی ساکن هستند، برای حفظ و بهبود محیط مشترک خود ایجاد می‌کنند.

کیفیت محیط و بهداشت محیط منطقه تحت تأثیر روند جمعیت، اقتصاد و فعالیت‌های صنعتی است. این نیروها برخی از چالش‌ها را با توجه به فعالیت‌های فعلی مرز ۲۰۲۰ ایجاد کرده‌اند، و آنها همچنان به ایجاد چالش‌های جدید برای مدیریت کیفیت محیط زیست و بهبود سلامت

محیط زیست در منطقه می‌پردازند. این نمای کلی از منطقه مرزی ایالات متحده و مکزیک را در بر می‌گیرد (State of the Border Region Indicators Interim Report, 2016).

- دیدگاه عندلیب

علیرضا عندلیب در کتاب نظریه پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران ویژگی‌های مناطق مرزی را به صورت جدول ذیل بیان می‌کند:

جدول (۲): ویژگی‌های مناطق مرزی

دوری از مرکز: بیانگر فاصله مکانی - جغرافیایی مناطق مرزی از سرزمین اصلی است.
انزوا و حاشیه ای بودن: مناطق مرزی، بویژه در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته، بیانگر تفاوت‌های عمیق عملکردی - ساختاری هستند.
ناپایداری الگوی اسکان و سکونت: به دلیل شرایط جغرافیایی مناطق مرزی، که عموماً مناطق با طبیعت خشن و صعب العبور هستند.
نظام و الگوی مراودات و تبادلات: مناطق مرزی، با توجه به موقعیت مراودهای خود در مرز حایل سیاسی بین دو کشور، از فرصت و ظرفیت لازم برای تقویت کنش‌های اقتصادی ویژه برخوردارند.
تفاوت‌های فرهنگی - قومی و نژادی: معمولاً و در بسیاری از کشورهایی که خطوط مرزی گسترده‌ای دارند و تنوع قومیت‌ها در آن شدید است، مسأله تفاوت‌های فرهنگی و قومی بین نواحی مرکزی و مرزی حالت شدیدتری به خود می‌گیرد.
تهدیدات خارجی: مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار، که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد.
ساختار دوگانه و دوگانگی سیستمی: در نگرش سیستمی به عناصر سرزمین ملی مشاهده می‌شود که عموماً مناطق مرزی از ساختاری دوگانه برخوردارند که این امر موجب تضعیف و بروز تعارضات توسعه‌ای در کشور می‌شود.

(Source: Andalib, 200:137)

- ساختارهای مناطق مرزی

با اقتباس هارتشون از مدل هاگت (هاگت، ۱۹۸۳)؛ در منطقه مرزی نیروی محرکه (مرکزگرا) و نیروهای جداسازی (مرکزگریز) اغلب هم زمان عمل می‌کنند. مناطق مرزی بر اساس تاریخ، فرهنگ و زبان مشترک، شانس بیشتری برای یکپارچه شدن و ایجاد یک منطقه مرزی جاذب را دارند. اگر همبستگی دو گروه جمعیتی در هر دو طرف مرز (بدون زبان مشترک، فرهنگ) کوتاه باشد و یک مرکز اقتصادی قوی وجود نداشته باشد، قلمرو و جمعیت نیز هماهنگ نیست.

1. Haggett
2. Centripetal
3. Centrifugal

بنابراین ایجاد منطقه مرزی کارآمد کاملاً غیرممکن است. از سوی دیگر باید توجه داشت، فقط سطح بسیار بالایی از ادغام اجتماعی و اقتصادی می تواند اثر جدایی مرزها را کاهش دهد. زبان مشترک (یا منطقه کاملاً دو زبانه)، کارکردهای اقتصادی کاملاً یکپارچه و همان استاندارد زندگی شرایط لازم برای از بین رفتن مشکلات زیرساختی مرزی است. حتی در اروپا نیز می توان چند نمونه را پیدا کرد، کلانشهر لیل (با یک منطقه مرزی در بلژیک) و منطقه همسایه لوکزامبورگ، بلژیک و فرانسه. مناطق مرزی اروپای شرقی با مشکلات مرحله اول یا دوم همراه است و نمونه هایی از مرحله سوم در مناطق مرزی پرده آهن سابق را دارد. تحقیقات آینده را می توان در نقاط خارج از کشور با ویژگی های مختلف استاتیک و پویا انجام داد (Székelly, 2013: 3-6). همچنین هانسن^۱ با انجام مطالعات میدانی در مناطق مرزی بین کشورهای آلمان، فرانسه، سوئیس، مسأله مبادلات بازرگانی بین کشورها را در طول مرزها، مورد بررسی قرار داد. مفهوم مرز را از دیوار به فضای پیوند دهنده بین کشورها متحول ساخت (Muosavi and others, 2015: 192).

۲-۵. استخراج مولفه های موثر بر شکل دهی مناطق مرزی

پدیده های فضایی - جغرافیایی، چه پدیده های طبیعی و چه پدیده های انسانی دارای ابعاد مختلفی هستند و برای اینکه بتوان آن پدیده ها را به صورت کامل مورد مطالعه قرار داد باید ابعاد مختلف آنها را در نظر گرفت و مبتنی بر این ابعاد پدیده را بررسی و تحلیل کرده و برنامه ریزی و سیاست گذاری در زمینه آنها صورت گیرد. در این میان مرزها نه تنها به عنوان پدیده های فضایی - جغرافیایی - سیاسی از این قاعده مستثنی نیستند بلکه، ابعاد بیشتر و پیچیده تری را نیز دارا می باشند که مطالعه و کار روی آنها را نیازمند دقت و شناخت مختلف این ابعاد کرده است (Janparvar, 2017: 118). برای دستیابی به مولفه های موثر بر شکل دهی منطقه مرزی نظریه ها و دیدگاه های مرتبط با مرز و منطقه مرزی در بالا مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. مولفه هایی که به نظر می رسد در شکل دهی به منطقه مرزی موثر هستند برگرفته از نظریه ها و دیدگاه های بالا در قالب جدول ذیل آورده شده است:

جدول (۳): استخراج مولفه‌های موثر بر شکل‌دهی منطقه مرزی

ردیف	نظریه‌ها و دیدگاه‌ها	مولفه‌های موثر بر شکل‌دهی منطقه مرزی
۱	نظریه مکان مرکزی والتر کریستالر	کاهش قدرت مرکز در حاشیه؛ کاهش سرمایه‌گذاری؛ انتخاب حوزه‌های نفوذ مراکز؛ قرارگیری در پیرامون؛
۲	نظریه قطب رشد فرانسوا پرو	فاصله از نقاط رشد؛ محروم؛ توسعه نیافتگی
۳	نظریه مرکز- پیرامون جان فریدمن	دوری از مرکز؛ قرارگیری در پیرامون؛ پایین بودن سرعت فرایند توسعه؛ بهره برداری پایین از منابع و پتانسیل‌ها؛ تضاد منافع با مرکز؛
۴	نظریه فون‌تونن	منطقه پیوند اقتصادی با فراسوی مرزها
۵	نظریه نیلز هانسن	نرخ رشد اقتصادی متفاوت در دو سوی مرز؛ تفاوت یا اشتراک فرهنگی با فراسوی مرز؛ در معرض تهدیدات امنیتی - نظامی بودن؛ توسعه نیافتگی؛ محروم؛ قرارگیری در پیرامون؛ دارای گسیختگی فضایی (از طریق خودمرز)؛
۶	نظریه جونز و وایلد	توسعه نیافتگی؛ قرار گرفتن در پیرامون (حاشیه)؛ عدم بهره برداری از قابلیت‌ها به دلیل مرزی بودن؛
۷	نظریه سافر	دارا بودن پیوند قومیتی با فراسوی مرز؛ تعاملات مرزی؛ وجود تهدیدات و نامنی؛ روابط خانوادگی با فراسوی مرز؛ وابستگی و تعامل دو سوی مرز؛
۸	منطقه مرزی ایالات متحده آمریکا	منطقه مرزی حاصل توافقات و قوانین؛ پیوندهای تاریخی با آن سوی مرز؛ پیوندهای فرهنگی با آن سوی مرز؛ پیوندهای خانوادگی با آن سوی مرز؛ پیوندهای اقتصادی با آن سوی مرز؛ کیفیت پایین خدمات بهداشتی و رفاهی؛
۹	دیدگاه عندلیب	دوری از مرکز؛ انزوای حاشیه‌ای بودن؛ ناپایداری الگوی اسکان و سکونت؛ نظام و الگوی مراودات و تبادلات؛ تفاوت‌های فرهنگی - فومی و نژادی با مرکز؛ تهدیدات خارجی؛ ساختار دوگانه و دوگانه سیستمی؛
۱۰	ساختارهای مناطق مرزی	حاشیه‌ای بودن؛ زبان مشترک؛ پیوندهای اقتصادی؛ پیوند مستقیم با فضای فراملی؛ وجود و افزایش مشاغل کاذب؛ دارا بودن همگنی و پیوند طبیعی با فراسوی مرز؛ پیوستگی امنیتی با فراسوی مرز؛ تأثیرپذیری از سیاست‌های خارجی نسبت به کشور هم مرز؛ تأثیرپذیری از سیاست ارتباطی نسبت به کشور هم مرز؛ تأثیرپذیری از سیاست‌های مرزی (بسته، نیمه بسته و باز) با کشور هم مرز؛ تکامل یا عدم تکامل خط مرزی؛ منطقه ای حضور و بازیگری بیشتر نیروهای نظامی - امنیتی؛ منطقه با تأثیرپذیری مستقیم از حرکات ترویرستی؛ حضور بازیگران غیررسمی (گروه‌های و نهادهای غیرمجاز نظیر افراطیون و ...)

(مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۸)

مولفه‌های موثر بر شکل‌دهی منطقه مرزی را می‌توان برای درک بهتر و ساده‌سازی در قالب هشت بعد و ۳۲ زیرمعیار مبتنی بر میزان اهمیتی که دارند، به صورت ذیل طبقه‌بندی کرد:

بعد سرزمینی: حاشیه‌ای بودن جغرافیایی (دوری از مرکز)؛ دارا بودن گسیختگی طبیعی فضای منطقه مرزی (از طریق مرز)؛ دارا بودن پیوند طبیعی با فراسوی مرز؛

بعد اقتصادی: پایین بودن سرعت فرایند توسعه؛ عدم بهره برداری از پتانسیل‌ها و قابلیت‌ها (نسبتاً بالا) منطقه؛ سرمایه‌گذاری پایین در منطقه (به دلایل امنیتی و غیره)؛ دارا بودن پیوند مستقیم اقتصادی با مرز و کشور هم مرز؛

بعد فرهنگی - اجتماعی: دارا بودن پیوند قومیتی با فراسوی مرز؛ دارا بودن اشتراکات فرهنگی با فراسوی مرز؛ دارا بودن گسیختگی انسانی فضای منطقه مرزی (از طریق مرز)؛ دارا بودن پیوندهای خانوادگی با فراسوی مرز؛ دارا بودن زبان مشترک با فراسوی مرز؛

بعد سیاسی - حاکمیتی: قرارگیری در کانون جذب دو حوزه نفوذ مرکز (کشور و همسایه)؛ دارا بودن پیوند مستقیم با فراسوی مرز؛ تأثیرپذیری از سیاست‌های خارجی نسبت به کشور هم مرز؛ تأثیرپذیری از سیاست ارتباطی نسبت به کشور هم مرز؛ تأثیرپذیری از سیاست‌های مرزی (بسته، نیمه بسته و باز) با کشور هم مرز؛ تأثیرپذیری از نظام‌های سیاسی دوگانه؛

بعد تاریخی: دارای پیوندهای تاریخی با فراسوی مرز؛ وجود تعلقات تاریخی در دو سوی مرز؛ تاریخی شکل‌گیری مرز؛

بعد بازیگران: آمیختگی زندگی بازیگران با مرز؛ حضور بازیگران غیررسمی (گروه‌های و نهادهای غیرمجاز نظیر افراطیون و ...)

بعد حقوقی - ساختاری: منطقه با وسعت توافق شده و قانونی؛ وجود قوانین مشخص جهت بهره‌برداری از منابع مشترک؛ وجود قوانین و ساختارهای متفاوت عبور و مرور در منطقه مرزی؛ **بعد دفاعی - امنیتی:** تأثیرپذیری مستقیم از تعاملات غیرمجاز از طریق مرز؛ منطقه‌ای با پیوستگی امنیتی با فراسوی مرز؛ قرارگیری در خط مقدم حمله و جنگ؛ پیوند مستقیم امنیت و زندگی ساکنین با امنیت منطقه مرزی؛ منطقه ای حضور و بازیگری بیشتر نیروهای نظامی - امنیتی؛ تأثیرپذیری بلافاصله از کنترل و مدیریت مرزها؛

۳-۵. یافته‌های پرسشنامه‌ای

در این تحقیق برای اولویت‌بندی مولفه‌های موثر بر شکل‌دهی مناطق مرزی پس از شناسایی معیارها و امتیازبندی هرکدام از معیارها و زیر معیارها با استفاده از مدل تحلیل ساختار

سلسله‌مراتبی (ANP) و نرم‌افزار (SUPERDESIGN) به بررسی مولفه‌های موثر بر اساس معیارهای تحقیق پرداخته شد. نتایج اولویت‌بندی و امتیازدهی به زیر معیارهای بعد سرزمینی با استفاده از نظرات کارشناسان نشان داد که مولفه دارا بودن پیوند طبیعی با فراسوی مرز با امتیاز (۰,۰۵۴) بیشترین تاثیر را بر شکل‌دهی منطقه مرزی در بین سایر زیر معیارهای بعد سرزمینی دارد.

جدول (۴): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد سرزمینی

اولویت	امتیاز	زیرمعیارها
۱	۰,۰۵۴۱	دارا بودن پیوند طبیعی با فراسوی مرز
۲	۰,۰۱۸۵	حاشیه ای بودن جغرافیایی (دوری از مرکز)
۳	۰,۰۰۶۳	دارا بودن گسیختگی طبیعی فضای منطقه مرزی (از طریق مرز)

در بین زیر معیارهای بعد اقتصادی طبق نظر کارشناسان، مولفه سرمایه‌گذاری پایین در منطقه (به دلایل امنیتی و غیره) با امتیاز (۰,۰۶۲) بیشترین تاثیر را بر شکل‌دهی منطقه مرزی داشته است. و مولفه دارا بودن پیوند مستقیم با فراسوی مرز با امتیاز (۰,۰۵۵) دومین اولویت موثر بودن بر شکل‌دهی منطقه مرزی را به خود اختصاص داد.

جدول (۵): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد اقتصادی

اولویت	امتیاز	زیرمعیارها
۱	۰,۰۶۲۰	سرمایه‌گذاری پایین در منطقه (به دلایل امنیتی و غیره)
۲	۰,۰۵۵۷	دارا بودن پیوند مستقیم با فراسوی مرز
۳	۰,۰۲۴۸	عدم بهره‌برداری از پتانسیل‌ها و قابلیت‌ها (نسبتاً بالا) منطقه
۴	۰,۰۱۰۸	پایین بودن سرعت فرایند توسعه

در بعد فرهنگی - اجتماعی نیز نظر کارشناسان نشان داد که زیر معیار دارا بودن اشتراکات فرهنگی با فراسوی مرز با امتیاز (۰,۰۴۶) می‌تواند موثرترین مولفه شکل‌دهی به مناطق مرزی باشد. و زیرمعیار دارا بودن پیوندهای خانوادگی با فراسوی مرز با امتیاز (۰,۰۰۴۷)؛ کمترین تاثیر را بین سایر زیرمعیارهای این بعد فرهنگی - اجتماعی دارد.

جدول (۶): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد اجتماعی - فرهنگی

اولویت	امتیاز	زیر معیارها
۱	۰,۰۲۷۵	دارا بودن پیوند قومیتی با فراسوی مرز
۲	۰,۰۴۶۲	دارا بودن اشتراکات فرهنگی با فراسوی مرز
۳	۰,۰۱۲۲	دارا بودن زبان مشترک با فراسوی مرز
۴	۰,۰۰۵۶	دارا بودن گسیختگی انسانی فضای منطقه مرزی (از طریق مرز)
۵	۰,۰۰۴۷	دارا بودن پیوندهای خانوادگی با فراسوی مرز

نتایج اولویت‌بندی به زیر معیارهای بعد سیاسی - حاکمیتی نیز مشخص کرد که به ترتیب مولفه‌های تأثیرپذیری از سیاست ارتباطی نسبت به کشور هم مرز با امتیاز (۰,۰۵۳) و تأثیرپذیری از نظام‌های سیاسی دوگانه با امتیاز (۰,۰۴۷) بیشترین تأثیر را بر شکل‌دهی مناطق مرزی داشته‌اند.

جدول (۷): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد سیاسی - حاکمیتی

اولویت	امتیاز	زیر معیارها
۱	۰,۰۵۳۹	تأثیرپذیری از سیاست ارتباطی نسبت به کشور هم مرز
۲	۰,۰۴۷۸	تأثیرپذیری از نظام‌های سیاسی دوگانه
۳	۰,۰۳۴۳	تأثیرپذیری از سیاست‌های مرزی (بسته، نیمه بسته و باز) با کشور هم مرز
۴	۰,۰۱۹۷	تأثیرپذیری از سیاست‌های خارجی نسبت به کشور هم مرز
۵	۰,۰۱۳۷	قرارگیری در کانون جذب دو حوزه نفوذ مرکز (کشور و همسایه)
۶	۰,۰۰۹۰	کاهش میزان و سطح حاکمیت در منطقه

در بین زیر معیارهای بعد تاریخی طبق نظر کارشناسان، مولفه پیوندهای تاریخی با فراسوی مرز با امتیاز (۰,۰۳۴) بیشترین تأثیر را بر شکل‌دهی منطقه مرزی داشته است. و مولفه تاریخچه شکل‌گیری مرز با امتیاز (۰,۰۲۹) دومین اولویت موثر بودن بر شکل‌دهی منطقه مرزی را به خود اختصاص داد.

جدول (۸): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد تاریخی

اولویت	امتیاز	زیر معیارها
۱	۰,۰۳۴۴	دارای پیوندهای تاریخی با فراسوی مرز
۲	۰,۰۲۹۰	تاریخچه شکل‌گیری مرز
۳	۰,۰۰۸۱	وجود تعلقات تاریخی در دو سوی مرز

در بعد بازیگران نیز نظر کارشناسان نشان داد که زیر معیار آمیختگی زندگی بازیگران با مرز با امتیاز (۰,۰۷۱) می‌تواند موثر ترین مولفه شکل‌دهی به مناطق مرزی باشد. و زیر معیار حضور بازیگران غیررسمی (گروه‌های و نهادهای غیرمجاز نظیر افراطیون و ...) با امتیاز (۰,۰۱۴) کمترین تاثیر را بر شکل‌دهی به مناطق مرزی دارد.

جدول (۹): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد بازیگران

اولویت	امتیاز	زیر معیارها
۱	۰,۰۷۱۳	آمیختگی زندگی بازیگران با مرز
۲	۰,۰۱۴۳	حضور بازیگران غیر رسمی (گروه‌های و نهادهای غیر مجاز نظیر افراطیون و ...)

نتایج اولویت‌بندی به زیر معیارهای بعد حقوقی - ساختاری نیز مشخص کرد که به ترتیب مولفه‌های منطقه با وسعت توافق شده و قانونی با امتیاز (۰,۰۷۹) و وجود قوانین مشخص جهت بهره‌برداری از منابع مشترک با امتیاز (۰,۰۲۰) بیشترین تاثیر را بر شکل‌دهی مناطق مرزی داشته‌اند.

جدول (۱۰): وزن‌دهی زیر معیارهای بعد حقوقی - ساختاری

اولویت	امتیاز	زیر معیارها
۱	۰,۰۷۹۷	منطقه با وسعت توافق شده و قانونی
۲	۰,۰۲۰۵	وجود قوانین مشخص جهت بهره‌برداری از منابع مشترک
۳	۰,۰۰۸۸	وجود قوانین و ساختارهای متفاوت عبور و مرور در منطقه مرزی

در بین زیر معیارهای بعد دفاعی - امنیتی طبق نظر کارشناسان، مولفه قرارگیری در خط مقدم حمله و جنگ با امتیاز (۰,۰۹۶) بیشترین تاثیر را بر شکل‌دهی منطقه مرزی داشته است. و مولفه تأثیرپذیری بلافصل از کنترل و مدیریت مرزها با امتیاز (۰,۰۶۵) دومین اولویت موثر بودن بر شکل‌دهی منطقه مرزی را در بین سایر زیر معیارهای بعد دفاعی - امنیتی به خود اختصاص داد.

جدول (۱۱): وزندهی زیرمعیارهای بعد دفاعی - امنیتی

اولویت	امتیاز	زیرمعیارها
۱	۰,۰۹۶۶	قرارگیری در خط مقدم حمله و جنگ
۲	۰,۰۶۵۴	تأثیرپذیری بلافصل از کنترل و مدیریت مرزها
۳	۰,۰۲۶۳	پیوند مستقیم امنیت و زندگی ساکنین با امنیت منطقه مرزی
۴	۰,۰۱۸۲	منطقه‌ای حضور و بازیگری بیشتر نیروهای نظامی - امنیتی
۵	۰,۰۱۴۱	منطقه‌ای با پیوستگی امنیتی با فراسوی مرز
۶	۰,۰۰۶۶	تأثیرپذیری مستقیم از تعاملات غیرمجاز از طریق مرز

به طور کلی نتایج اولویت‌بندی معیارهای اصلی نیز مشخص کرد که بعد دفاعی - امنیتی با امتیاز (۰,۳۲) موثرترین مولفه‌های موثر بر شکل دهی منطقه مرزی می باشد و بعد حقوقی - ساختاری کمترین تاثیر را بر مولفه‌های شکل‌دهنده منطقه مرزی دارد.

جدول (۱۲): وزندهی معیارهای اصلی تحقیق

اولویت	امتیاز	معیارها
۱	۰,۳۲۳	بعد دفاعی - امنیتی
۲	۰,۲۳۳	بعد سیاسی - حاکمیتی
۳	۰,۱۸۶	بعد اقتصادی
۴	۰,۰۸۰	بعد فرهنگی - اجتماعی
۵	۰,۰۶۱	بعد بازیگران
۶	۰,۰۴۹۰	بعد سرزمینی
۷	۰,۰۳۵	بعد تاریخی
۸	۰,۰۲۹	بعد حقوقی - ساختاری

۶. نتیجه‌گیری

مناطق مرزی از نقاط استراتژیک هر کشور به شمار می‌روند که با توجه به افزایش کنش‌های بین بازیگران و پیوند فضاها‌ی جغرافیایی اهمیت آن بیشتر شده است. از آنجا که تعریف واحدی از مناطق مرزی وجود ندارد و بیشتر افراد مفهوم منطقه مرزی را با خط مرزی و ناحیه مرزی اشتباه می‌گیرند، در گام تحقیق نخست تلاش شده است مفهوم‌سازی درستی از منطقه مرزی صورت بگیرد. در بیانی ساده می‌توان گفت منطقه مرزی عبارت است از، فضای جغرافیایی بلافصل

خطوط مرزی با وسعت‌های متفاوت که تحت تأثیر مستقیم مرزها قرار می‌گیرند. باید توجه داشت، عرض منطقه مرزی متناسب با وضعیت و عملکرد مرزها و تحت تأثیر قرار دادن محیط پیرامون کم یا زیاد می‌شود. البته به صورت کلی باید گفت، با افزایش میزان اثربخشی مرزها از طریق تحولات صورت گرفته در عرصه‌های مختلف فناوری‌ها و گسترش زمینه تحرکات کالاها و انسان‌ها، عرض منطقه مرزی در حال افزایش است زیرا این تغییرات تأثیرپذیری مستقیم و بلافصل فضاهای جغرافیایی از مرزها را گسترش می‌دهد (Janparvar, 2017: 75). در گام دوم تلاش شده است مولفه‌های شکل‌دهنده منطقه مرزی تبیین شود چرا که مولفه‌ها مبتنی بر تغییرات و تحولات صورت گرفته در عصر جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات و ارتباطات تغییر کرده است. پس از استخراج این مولفه‌ها از دیدگاه‌ها و نظریات مرتبط با مناطق مرزی، ۳۲ مولفه استخراج شده جهت درک بهتر در قالب ۸ بعد طبقه بندی شده‌اند. در ادامه به منظور اولویت‌بندی به مولفه‌های موثر در شکل‌دهی مناطق مرزی از روش ANP (مقایسات زوجی) استفاده شده است. نتایج اولویت‌بندی هشت بعد اصلی نشان‌دهنده آن است که بعد دفاعی - امنیتی از سایر بعدهای دیگر اهمیت بیشتری در شکل‌دهی منطقه مرزی داراست. مهم‌ترین مولفه‌ها هر یک از ابعاد نیز به این صورت است. دارا بودن پیوند طبیعی با فراسوی مرز در بعد سرزمینی، سرمایه‌گذاری پایین در منطقه (به دلایل امنیتی و غیره) در بعد اقتصادی، دارا بودن پیوند قومیتی با فراسوی مرز در بعد اجتماعی - فرهنگی، تأثیرپذیری از سیاست ارتباطی نسبت به کشور هم‌مرز در بعد سیاسی - حاکمیتی، دارای پیوندهای تاریخی با فراسوی مرز در بعد تاریخی، آمیختگی زندگی بازیگران با مرز در بعد بازیگران، منطقه‌ای با وسعت توافق شده و قانونی در بعد حقوقی - ساختاری و در آخر قرارگیری در خط مقدم حمله و جنگ در بعد دفاعی - امنیتی، موثرترین مولفه‌های شکل‌دهی منطقه مرزی هستند. به عبارت دیگر، منطقه مرزی به جایی گفته می‌شود که بیشتر این مولفه‌ها در آن‌ها وجود داشته باشد، به ویژه مولفه‌های با اهمیت بیشتر در آن‌ها وجود داشته باشد. مثلاً مولفه سرمایه‌گذاری پایین در منطقه در بعد اقتصادی نمی‌تواند به تنهایی شکل‌دهنده منطقه مرزی باشد. چرا که چهار شهر برتر جهان از لحاظ کیفیت زندگی، یعنی وین در اتریش، زوریخ در سوئیس، ونکوور در کانادا و مونیخ در آلمان همگی در مناطق مرزی

کشورها قرار دارند. یا مثلاً دارا بودن پیوند قومیتی با فراسوی مرز در بعد اجتماعی - فرهنگی نیز نمی‌تواند به تنهایی شکل‌دهنده منطقه مرزی باشد؛ چرا که مثلاً دو کشور هند و پاکستان از لحاظ مذهبی بسیار باهم متفاوت هستند ولی مناطق مرزی مشترکی با یکدیگر دارند. در مجموع باید گفت که منطقه مرزی به جایی گفته می‌شود که بتواند تعداد بیشتری از مولفه‌های شکل‌دهنده منطقه مرزی را در خود جای دهد.

شکل (۴): مدل مفهومی مولفه‌های موثر بر تشکیل‌دهی منطقه مرزی



۷. قدرتانی

در پایان نویسندگان مقاله حاضر از معاونت پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد برای حمایت‌های مالی و معنوی از تحقیق حاضر قدردانی می‌کند.

References

1. Afshordi, M.H; Janparvar, M; Ahmadipour, Z; Ghasri, M (2014). Explaining the effective index of border management, *Geopolitics Quarterly*, Vol 10, No 2. **[In Persian]**
2. Andalib, A.R; Mutof, Sh (2000). Experiences of Preparing for the Border of Germany and Lessons for Iran, 29; Tehran: Shahid Beheshti University. **[In Persian]**
3. Behfrouz, F (1995). *Dominant Fields in Human Geography*, Tehran University Press. **[In Persian]**
4. Gregory, D; Johnston, R; Pratt, G; Watts, M. J; Whatmore, Sh (2009). *The Dictionary of Human Geography*, 5th Edition, New York, John Wiley & Sons.
5. Hafeznia, M.R; Janparvar, M (2013). *Frontiers and Globalization with a Short Look at Iran's Borders*. Tehran: Institute for Strategic Studies. **[In Persian]**
6. Hafeznia, M. R (2001). *The Political Geography of Iran*. Tehran. Samt Publications. **[In Persian]**
7. Haggett, P. (1983). *Geographie. Eine moderne synthese*, Harper&Row, New York.
8. Haggett, P. (1996). *New hybrid geography*, Translation: Shapour Godarzi Rad, Samt publications.
9. Janparvar, M (2017). *A New Approach to Frontier Studies (Concepts, Principles and Theories)*. Tehran: Iranian Geopolitical Society Publications. **[In Persian]**
10. Janparvar, M (2017). Explain and Leveling Basic Dimensions of Border Studeies. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 12, No 4.
11. Janparvar, M; Hosseinpour Motlagh, M; Mahro, A (2014). Border Management; as Strategy of States to Maintain Order and Security in the Country. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 9, No 4.
12. Jones P.N.; Wild, T (1994). Opening the frontier: recentspatial Impacts in the inner- German border zone, *Regional Studies*, vol.28, No.3.
13. Knox, P. L.; Marston, S. A. (1998). *Places and Regions in Global Context. Human Geography*, New Jersey, Prentice Hall, Upper Saddle River.
14. Lacoste, Y (2012). *From Geopolitics to the Perspective of Geography*, Translated by: Sirius Sahami, Papolli Publications, Mashhad. **[In Persian]**
15. Mobayeni Dehkordi, A; Hashemi Esfahani, M (2006). *Understanding the National Environment; Priorities for Sector Development in Different Areas of Iran*, Ministry of Culture and Islamic Guidance, Printing and Publishing Organization, Tehran. **[In Persian]**
16. Mojtahedzadeh, P (2011). *Political geography Geographical policy*, Tehran, Samt publications. **[In Persian]**
17. Mokhtari, H; Momeni, M; Bagheri, M (2014). Developing Border Area Preparation Strategies - A Case Study of Iran's Eastern Borders, *Journal of*

- Geographical Research, Year 29, Issue 3, Issue 11, Fall. **[In Persian]**
18. Mokhtari Hashi, H; Nasereslami, G (2016). Investigation of the Middle East and North Africa Boundaries from Human Features Perspective. *Geopolitics Quarterly*, Volume: 12, No 1. **[In Persian]**
 19. Muosavi, M.N; Others (2015). The Role of Ethnicity and Boundary in the Function of Urban Areas; Case Study: Azerbaijan Region, *Geopolitics Quarterly*, Volume: 10, No 1. **[In Persian]**
 20. Nayehdor, M. (2014), Proceedings of the National Conference on Border Management, Sustainable Development and Investment Investment.
 21. Newman, D. (2003). *Boundaries. A Companion to Political Geography*. Jan Agnew. The United Kingdom. Blackwell publishing.
 22. Niebuhr, A; Stiller, S. (2002). Integration Effects in Border Regions: A Survey of Economic Theory and Empirical Studies. *Hamburgisches Welt-Wirtschafts-Archive (HwwA)*. Hamburg Institute of International Economics. ISSN. 1608-1616.
 23. Perkamann, M (2003). "Cross-Border Regions in Europe, Significance, and Drivers of Regional Cross-Border Cooperation". *European Urban Regional Studies*, 10(2), 153-171.
 24. Picouet, P; Renard, J.P. (1993). *Frontières et territoires*. Documentation française, Paris.
 25. Saber, Z; Akhbari, M; Faraji Rad, A.R (2018). Analysis of the Influential Components of Border Region Preparation on Iran-Iraq Relations, *Journal of Frontier Studies*, Volume 6, Issue 1, Spring. **[In Persian]**
 26. Saeidi, A; Turk Lashkankari, A (2013). Security Defense Considerations in the East Preparation of Hormozgan Province (Northeast Coast of Hormuz Strait), *Journal of Security Studies of Imam Hussein Jameh University Second Year*, No. 3. **[In Persian]**
 27. Sanguin, A.L. (1995). The Disappearance of Boundaries in the European Union: from Cross-border Regions to Euroregions, in: *Region and Regionalism, Social and Political Aspects* (Koter M. ed) pp. 29-34., Opole-Łódź.
 28. Soffer, A. (1994). Forms of coexistence and transborder cooperation in a hostile area: The Israel case in W. Galluser and et al (eds.), *Political Boundaries and Coexistence*, Peter Lang, Beren, pp. 182-191.
 29. State of the Border Region Indicators Interim Report 2016, Border (2020). US-MEXICO Environmental Program.
 30. Székely, A (2013). *BORDER REGION STRUCTURES*. Institute of Economics and Rural Development, Faculty of Engineering, University of Szeged, H-6724 Szeged, Mars tér 7, Hungary.
 31. Zakai, M. ; Nouri, A (2016). Living in the Borderlands: A Phenomenological Study of the Nusood Border Residents, *Cultural Sociology, Humanities and Cultural Studies Institute*, Sixth Year, No. 4, Winter. **[In Persian]**

32. Zaki, Y; Pashalo, A (2014). The Function of West Azerbaijan Border Markets with Emphasis on Cedar Border Market. **[In Persian]**
33. Zare, Z; Sardari, A (2015). Application of SWOT and SWOT-AHP Models in Preparing Border Areas with Emphasis on Planning Strategies and Priorities: Study Cases: Marivan & Baneh, Border Studies Journal, Vol. Third, number three, autumn. **[In Persian]**

